



مبانی معرفتی تحزب اسلامی/نیم نگاهی به کتاب «شذرات المعارف»

موضوع کتاب «شذرات المعارف» آیت الله شاه آبادی را می توان «آسیب شناسی جامعه اسلامی و ارائه راهکارهای اصلاحی درباره آن» دانست.

موضوع کتاب «شذرات المعارف» آیت الله شاه آبادی را می توان «آسیب شناسی جامعه اسلامی و ارائه راهکارهای اصلاحی درباره آن» دانست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر با عنوان مبانی معرفتی تحزب اسلامی در واقع نیم نگاهی به کتاب «شذرات المعارف» آیت الله شاه آبادی است که توسط علیرضا کمیلی نوشته شده که در ادامه از نظر شما می گذرد:

عارف حکیم، آیت الله العظمی محمد علی شاه آبادی (قدس سره) به اذعان دیگر علما و عرفای معاصر از کمال عرفای قرن حاضر است و تا جایی که می دانیم، ایشان را موثرترین فرد در شکل دهی افکار حضرت امام خمینی (ره) دانسته اند که اگر همین یک سخن را بپذیریم، کفایت است از آنکه برای شناخت ایشان و افکارشان تلاش نمائیم هر چند تنها دو کتاب و سه رساله مکتوب له در دست باشد.

ایشان نظریات خود را حول محور فطرت الهی انسان سامان داده اند تا جایی که به «فیلسوف فطرت» ملقب شده اند که در جای خود محل تأمل و تأتیی است. معروف است که حضرت امام (ره) درباره ایشان فرمودند: «من در عمر خود، روحی لطیف تر از روح مرحوم شاه آبادی ندیدم.» امام (ره) هفت سالی که مرحوم شاه آبادی در قم حضور داشتند در درس ایشان شرکت کردند و تاکید داشتند که «اگر آیت الله شاه آبادی هفتاد سال تدریس می کرد، من در محضرش حاضر می شدم؛ چون هر روز حرف تازه ای داشت.»

عارف کامل آیت الله شاه آبادی از مبارزان دوران رضاخانی به حساب می آید، تحصن یازده ماهه معظم له در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در اعتراض به جنایات رضاخان معروف است. در همان دوران و در ایام محرم، ایشان یک دهه منبر می روند و سخنی را سه بار، اول، وسط و انتهای منبر هر شب تکرار می کنند: «خدا یا! تو شاهد و گواه باش که این مرتبه که این جمله را بگویم، در این ده شب سی مرتبه تکرار کرده ام و اتمام حجت نموده ام و برای علمای نجف، علمای قم، اصفهان و مشهد تمام نقاطی که می دانستم و توانستم هم نامه نوشته ام، و امشب هم برای آخرین مرتبه در این مجلس می گویم و آن این است که رضاخان، دست نشانده انگلیس است و هدفش، اعدام قرآن و اسلام است و اگر با من روحانی مبارزه می کند، نه به خاطر خود من است، بلکه به این دلیل است که من مبلغ قرآنم، به دنیا اعلام می کنم که اگر حرکت نکنید، این خبیث اسلام را از بین می برد.» اندر احوالات ایشان و درباره شخصیت جامع و کامل معظم له سخن بسیار است و مجال اندک!

«شذرات المعارف» که گزیده های ناب اندیشه های ایشان است، به گفته شارح این کتاب یعنی فرزند ایشان، آیت الله نورالله شاه آبادی، خلاصه ای از اندیشه معظم له نیز به حساب می آید، لذاست که بررسی آن مفید فایده فراوان خواهد بود. بررسی سه فصل اول این کتاب در این مجال، نگرش ایشان به تحزب اسلامی و مبانی معرفتی آن را تا حدودی مشخص خواهد کرد و ان شاء الله افق های نویی را در مقابل سایر طالبان حقیقی دین خواهد گشود.

به نظر می رسد توجه جدی به این نگرش معرفتی فطرت محور برای کار تشکیلاتی و حزبی گروه های مسلمان حاضر می تواند حائز اهمیت باشد و موضوع شناسی، نیازشناسی، مخاطب شناسی و روش شناسی های کارشان را در صورت تأمل شایسته مورد بازخوانی و اصلاح قرار دهد.

این کتاب کوچک، که در حدود سالهای حکومت رضاخان نوشته شده است، دارای نثری مخلوط از فارسی آمیخته به عربی رایج در مجامع علمی حوزوی آن دوران است که مشابه آن را در متونی چون «اربعین حدیث» امام یا «تنبيه الامه و تنزيه المله» مرحوم نائینی و کتب بسیار دیگر دیده ایم.

بخش اول کتاب که عنوان «الشذره الأولى: توضیح مرام الإسلام فی شفاء صدور الأنام» را بر خود دارد، با طرح مسأله ضعف و ذلت مسلمانان در شرایط کنونی آغاز می گردد: «مدتی است مملکت اسلام به انتشار عقاید باطله و اخلاق رذیله و افعال قبیحه مبتلاست» و سپس اظهار تعجب می نماید که در همین حال می بینیم بسیاری از

مسلمانان به طور مداوم از این وضعیت فقط اظهار تأسف می کنند، «غافل از آنکه درد را باید معالجه نمود و مذاکره مرض و تعدد آن، راه علاج نیست!» پس باید برای علاج مرض ها ابتدا آنها را شناخت.

از همین رو موضوع کتاب را می توان «آسیب شناسی جامعه اسلامی و ارائه راهکارهای اصلاحی درباره آن» دانست که بخش اول یعنی آسیب شناسی به طور خلاصه بیان شده است، اما در باب راهکار پیشنهادی توضیح بیشتری آمده است.

نویسنده، به چهار علت اصلی برای بروز این بیماری ها اشاره می کند:

۱. غرور مسلمین به حقانیت خود، که صرفاً توهمی از داشتن حقانیت است بدون آنکه تلاشی برای احقاق آن صورت پذیرد و اینچنین است که عرصه را دیگران اشغال کرده اند و اوضاع را در دست گرفته اند حال آنکه «قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد، چرا که تولید نمازگزار و اقامه صلاۀ را هم بر دوش ما گذارده و نمی فرماید از زنا تحرّز نما که منع از وقوع زنا را هم از وظایف ما مقرر داشته است.» ۲. یأس از ظهور سعادت دینی و دنیوی، که همین ناامیدی به عدم احساس تکلیف و بی تفاوتی انجامیده و مانع حرکت شده است.

۳. افتراق مسلمین و انفصام خیط اخوت از میانه آنها، که به واسطه اختلاط با اجانب حاصل شده و می رود که به انعدام منجر شود!

۴. نداشتن بیت المال، که گسترش اسلام به عده و همچنین بودجه و عده نیازمند است و از همین رو اخماس و زکوات تعبیه شده اند.

ایشان پس از ذکر موارد چهارگانه فوق، علت العلل ضعف مسلمانان را چهل به «مram اسلام» می دانند که بر اساس حدیث شریف «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی»، دو بخش این مram عبارتند از: حفظ اختصاص حکومت مطلقه به قرآن مجید و حفظ اختصاص ولایت مطلقه به مقام مقدس حضرت حجت بن الحسن (عج) که نائل شدن به این دو مram، منوط به استحکام روابط مذهبی و دوری گزیدن از آسیب های فوق الذکر است.

ایشان در این مرحله وظایفی را برای معتقدین به مram اسلام ذکر می کنند شامل دو اصل بسط معارف و حقایق دیانت (بمنزله خیط نبوت و ولایت) و توسعه اجتماعات مذهبی برای دوستی متدینین (بمنزله خیط اخوت، رشته برادری) که تحصیل آنان باعث تقویت نیروی اسلام خواهد شد و در ذیل آن، ۱۴ وظیفه جزئی تر را نیز نام می برند که می تواند به مثابه راهکارهای عملیاتی و مramنامه یک حزب یا به تعبیر ایشان جمعیت، باشد و ذکر آنها قابل توجه خواهد بود.

۱. ترغیب مردم به علما، تشویق محصلین علوم دینی و ترمیم امر معاش آنها و ایجاد موسسات آموزش اخلاق و عقاید و احکام.

۲. استحکام اتحاد بین علما برای جلوگیری از تشتت مقلدین ایشان.

۳. تأسیس مجلات دینی برای ترویج مذهب و افعال و افکار جمعیت.

۴. تظاهر به شرع، ترک محرّمات، تعظیم شعائر و حضور در اجتماعات اسلامی.

۵. اقتصاد در امر معیشت و ترک دنیازدگی.

۶. ایجاد شرکتهای اقتصادی مبتنی بر قواعد علمی برای تجارت مشروع و صنعت و زراعت و ترویج لباس های اسلامی.

۷. ایجاد صندوق قرض الحسنه و جلوگیری از نزول خواری.

۸. ایجاد کار برای بیکاران و کمک به فقرا.

۹. دفاع از افراد جمعیت در حوادث.

۱۰. حضور در مصائب مسلمانان و سائر معاشرات آنان.

۱۱. حضور یک شب در هفته در مرکز مخصوص جمعیت برای فراگیری مهمات مذهبی و گفتگو.

۱۲. التزام هر نفر برای هدایت یک نفر که ملتزم به موارد مذکور باشد.

۱۳. ارجاع اختلافات میان افراد جمعیت به هیئت رئیسه.

۱۴. تشکیل بیت المال از خمس و زکات و دیگر منابع با رعایت قواعدی که از حیف و میل جلوگیری کند و صرف آنها با رعایت اولویت ها.

بخش دوم کتاب با عنوان «الشذرة الثانیة» شامل ۲۳ معرفت است که با توضیح ابعاد سیاسی دین آغاز می گردد و با شرح و بسط مفهوم اخوت اسلامی و ارکان و ابعاد آن ادامه می یابد.

ایشان ابتداء سیاست را تعریف می کنند تا از تعاریف تحریف شده رایج مصون بمانند و آن را «تدبیر در جریان مصالح نوعیه و منع از تحقق مفاسد آنها» می دانند که همان اداره اجتماع و جلوگیری از بروز مفاسد برای مردمان است که بعد فردی اش را «تدبیر منزل» می نامیم. سپس این مفهوم را در اقسام مختلف دستورات و احکام اسلامی تطبیق می کنند و از آنجا که در هر امر، وجهی از تدبیر اجتماعی و یا حداقل فردی که مصلحت واقع بشر را مدنظر داشته، وجود دارد نتیجه می گیرند که همه آنها سیاست الهیه اند. از جمله آنها حدود و دیات اند و مثال قصاص نفس را می آورند که گرچه اعدام فرد رخ می دهد اما نتیجه جاری شدن آن حکم در سطح تبعات اجتماعی آن، به خاطر حبّ بقاء و حب ذات، مانع ارتکاب بیشتر آن در سائرین می گردد، لذا نتیجه نهایی حفظ نفوس است و اینچنین است که «و فی القصاص حیوة یا أولى الألباب».

پس همه احکام اسلامی چه از جهت مصالح اجتماعی و اجرایی شان و چه از باب جنبه عبودیت و داشتن مصالح و جلوگیری از مفاسد برای نوع بشر سیاست الهیه اند، «اغلب احکام واقعیه نیز مشتمل است بر سیاست مثل طهارت و صوم و صلات و زکات و جهاد و لذا علی التحقيق می توان گفت که دین اسلام، دین سیاسی است».

راه تحقق این اهداف عالی نیز وجود دو عنصر عده و غده است و از آنجا که مساله مربوط به اجتماع است و نه فرد، باید از عده شروع کرد و «لا عده إلا بالأخوه، زیرا که عدد اگرچه فوق نهایت بوده باشد ولی مادامی که مرتبط نشوند به خیط اخوت، در حکم غیریت و مباینت است» و مثل اخوت مثل نخ تسبیح است که تا نباشد، حرکت و جنبش یک مهره به حرکت و جنبش دیگری منجر نخواهد شد و از همین رو پیامبر اکرم (ص) نیز تا رشته محکم برادری را میان جمع کثیر مسلمانان ایجاد نکردند توفیق نیافتند، «لذا اخوت از احکام سیاسیه الهیه است برای اجرای مقاصد اسلامیه».

نویسنده محترم از این پس به شرح و بسط مفهوم اخوت، نقش و ارکان آن می پردازند که بحثی لطیف و پرتراوت است در عین آنکه مبادی حرکت سیاسی اجتماعی اسلام را تشکیل می دهد. معظم له با استناد به آیات «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» و «واذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً» این نکته اساسی را مورد توجه قرار می دهند که «خداوند عالم، قرآن مجید را که حبل الله است از عرش الرحمن نازل فرموده بر عرش اخوت انسان، تا فهمیده شود که مستقر قرآن و نوامیس الهیه، جامعه اخوت مسلمین است، البته نمی توان قرآن را به انفراد نگهداری نمود».

سخن از این پس در توضیح عرش اخوت است که چون هر تختی را چهار گوشه و چهار پایه است، اخوت را نیز زوایا و ارکانی است؛ انس که بر پایه وفاق و یکرویی است، کمال که بر پایه اتحاد و یگانگی است، عزّت که برپایه تواضع و فروتنی است، عون که بر پایه فتوت و جوانمردی است و نشانه های اینان در حدیثی که شرایط اخوت را ذکر می کند مذکور اند: «أولها أن تكون سريرة و علانيته لك واحدة والثانية أن يری زينك زينه و شينك شينه و الثالثة أن لا يغيره عليك مال و لا جاه و الرابعة أن لا يمنعك شيء تناله بقدرته و الخامسة و هي مجمع هذه الخصال أن لا يسلمك عند النكبات».

خلاصه آنکه با توجه به فطرت الهی انسان، عشق را صفت ذاتیه او می شمارند و از همین رو انسان را انسان نامیده اند که کثیرالانس و شدیدالانس است «المومن آلف مألوف» و چون انس بر یکرنگی استوار است و انسان با منافق دورو انس نخواهد گرفت، در مذمت نفاق، آیه و روایه بسیار آمده است.

ایشان در این بخش نکاتی را درباره عقب ماندگی علمی مسلمانان ذکر می کنند که ناشی از ترک علم و عمل است «انسان علاوه بر آنکه عاشق کمال است، در معاش و معاد خویش محتاج علم و عمل است لذا مورد عنایت قوه عاقله و عامله شده» و چه احمق اند آنهایی که تصور می کنند، دشمنان با آن پیشرفت علمی و صنعتی نوکرشان اند و وابستگی خویش و حقارت شان در برابر آنان را نمی بینند که جا دارد بی حسی را به حس و بی غیرتی را به غیرت بدل کنیم و دشمنان را با سلاح علم ناکام گذاریم.

حال، این تذکر بجا را ذکر می نمایند که «چون فهمیدی زندگی موقت دنیوی جز با علم و عمل اداره نمی شود خواهی فهمید که زندگی آخرت هم بدون علم و عمل اداره نمی شود و لذا فرمود "قد أفلح المومنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون" ای العالمون العالمون»، فلذاست که شناخت مبدأ و معاد و بهره گیری از عالمان به آن عالم، به علم و عمل مناسب آن و فلاح منجر می شود.

برادری که زشتی تو را زشتی خود بداند و زینت تو را زینت خود، که این حال جز با یگانگی حاصل نمی شود، در رفع نقص و ایجاد کمال در تو تلاش خواهد کرد و همچنین کسی که تغییر شرایطش در رفتار با تو تغییری نمی دهد، دارای فروتنی است و برای تو حفظ عزت خواهد کرد و چه بسا در تو ایجاد عزت نماید.

از آنجا که رفع همه نیازهای مادی به انفراد ممکن نیست، احتیاج و نیاز انسان، مبنای تعاملات اجتماعی و روابط آنان با یکدیگر را می سازد و این حس تمدنی، با رفع احتیاج دو طرفه انجام می پذیرد اما «حس تدبّر که به واسطه رحمت انبیاء در بشر ایجاد شده، مقتضی قیام به حاجت برادر است ولو حاجتی در مقابل آن نبوده باشد لذا ناموس عون بر قائمه همت عالیه انسانیت مقرر گردیده» و اینجاست که می توان نتیجه گرفت برادر، کسی است که بر اساس یکرنگی با تو انس می گیرد و بر اساس یگانگی، به تکمیل نقص و رفع جهل تو می پردازد و بر اساس فروتنی، تو را عزیز می دارد و برپایه جوانمردی، تو را مساعدت می نماید.